

پایان کار نادرشاه افشار

سرانجام حکومت کوتاهمدت اما باشکوه یگانه فردی که مشهور را به عنوان پایتخت ایران برگزید در روزی چون امروز به پایان رسید. در سپیدهدم این روز تعدادی از افسران سپاه نادری که مطلع شده بودند نادرشاه قصد دارد به دلیل کم کاری و بی انضباطی فرمان بازداشت آنان را صادر کند، با علم به اینکه اگر دستور صادر شود دیگر راه نجاتی ندارند، چه نادرشاه به پسر ارشد خود رضاقلی میرزا هم رحم نکرد و برای او حفظ حکومت مهم تر از جان نزدیک ترین افرادش بود، شبانه به سرکردگی محمدخان قاجار به خیمه او یورش بردند و او را به قتل رساندند. بدین گونه نادرشاهی که تمام حکومت های جهان از وی ترس داشتند نه با شمشیر دشمن که با شمشیر خودی از میان بر داشته شد.

سپید مثل قلب سیاهان

دیگر سپاه شده بودم؛ مثل «جورج فلوید» زیر زانوی «درک شووین» که نمی توانست نفس بکشد، فرق من بسا و تنها این بود که مادرم را صدا نمی‌زدم، مادرم حالا

دیگر باید جایی در دامنه کوه یا نوی بخشی از حافظه سبز زمین باشد. حتی فکر می‌شدیم، حالا دیگر سپاه

شدیم بودم. هیچ کس توی این دود ما را پیدا نمی‌کرد، حتی آن لک‌لک سفیدی که البته فکر کردن به برادرانم که پوستشان مثل من سیاه نشده بود.

ما چند تن بودیم؛ یک سریمان افتاده بودیم پایین دره. آنجا راحت می‌شد ما را دراز کرد، مثل مومیایی‌های مصر باستان و انداخت ته یک وانت‌نیسان آبی که تخت‌گاز توی جاده‌های غرب به شمال می‌رفت. آنجا تنها خوشحالی‌مان این بود که «عقوب» توی جاده پونل، درست سر گردنه الماس برای وانتی که ما پشتش دراز به‌دراز خوابیده بودیم، دست تکان داده بود.

راننده وانت توی آینه بغل و راننداش کرده بود. اگر عقوب کت ۲ درجه بزرگ‌تر از خودش را در سرباز خانه تحویل نگرفته و نبوشیده بود، امکان نداشت راننده دلش به حال یک سرباز صفر، این چنین به رحم بیاید و بگوید: «بهر بالا». یا آن کت، انگار عقوب پیر شده بود، انگار مچاله شده بود. عقوب دراز کشیده بود پشت وانت؛ شبیه سربازهای هخامنشی شده بود کنار ما تن‌ها و بی‌صدا گریه کرده بود، برای مادرش که حالا دقیقا ۷۰ روز بود او را ندیده بود. اما یک عده دیگرمان افتاده بودیم آن طرف کوه، توی سایه، توی منطقه صعب‌العبوری که آدم‌ها دستشان به ما نمی‌رسید. حتما آن طرف کوهی‌ها هم نبشاندن می‌رسد به سنجایی چیزی که میوه‌های اجداد ما را

زیر خاک مخفی کرده

بودند. هر چه بود آن‌ها چندسال پیش زوال بلوط گرفتند و مردند. ایستاده مردند و کسی هم نفهمید.

من صدای موریانه‌ها را از لاشه خشکشان می‌شنیدم که ز زیر

ندان‌های تیزشان جویده می‌شدیم. حالا دیگر سپاه شده بودم. هیچ کس توی این دود ما را پیدا نمی‌کرد، حتی آن لک‌لک سفیدی که درست یک سال پیش آمده بود روی یکی از شاخه‌های من لانه درست کرده بود و هر روز نوکش را می‌مالید به من. اولش خجالت می‌کشیدم، اما بعد دیدم انگار این بهترین لحظه دنیااست، لحظه‌ای که لک‌لک نوکش را ۳ بار به من می‌مالد و می‌رود. اگر او می‌دانست که یک سال بعد، همه ما چند تن در آتش می‌سوئیم، حتما فکری به حال من می‌کرد و بیشتر اصرار می‌کرد که «بیا از اینجا برویم».

حیف که من ریشه داشتم. حالا دیگر کامل سوخته بودم، تا سرم. قبل از اینکه روی زمین بیفتم با خودم فکر کردم این سرنوشت، بالاخره بهتر از این است که کاغذ شویم مثل خیلی‌ها مان که الیاف بلندتری داشتند و رفتند روی در و دیوار شهر و عکس آدم‌ها رفت رویشان. یا بدتر از آن، خوجه اعدام شویم، دسته چاقو شویم و چیزهایی از این دست.

توی این فکرها بودم که دیگر کامل اقدام روی تن داغ زاگرس. بعدها شنیدم که همین لحظه افتادیم ۲ میلیون بار توی اینستاگرام وایرال شده؛ خوش به حال من! آدم‌های آمدند از پشت دود، زیاد هم می‌آمدند، دست‌هاشان خالی بود، بعضی‌هاشان می‌گریستند، بعضی‌هاشان هم از همدیگر مدام تشکر می‌کردند: تشکر به نوشتن اهمیت بدن؟ تشکر تشکر. من هیچ‌وقت آدم‌ها را نفهمیدم.

حدیث روز

هر کس که خداوند را عبادت و اطاعت کند، خداي متعال همه چیزها را مطلق اوگرداند.

امام حسن مجتبی (ع)

اذان ظهر ۱۴:۳۱

غروب آفتاب ۱۹:۴۸

اذان مغرب ۲۰:۱۰

۱۸٪ رطوبت هوا
۱۵°↓ ۳۱°↑
ظهر ۲۶°
عصر ۲۷°
شب ۲۳°

نیمه شب شرعی ۲۳:۳۷

اذان صبح فردا ۳:۲۶

طلوع آفتاب فردا ۵:۱۳



فیروزه مظفری

پیشنهاد طرح ازدواج اجباری تا

۲۸سالگی به مجلس ودولت ارائه شد

کارتون شهر

بنویسید و بنویسید و بنویسید

آنچه که از نظر آقای طالقانی مهم بود، این بود که قلم و نوشتن، از هر طرفی که باشد، باید نگاه انتقادی به سیستم حاکم داشته باشد و بدون اینکه صریح بگوید، به خرده گیری‌هایی که نسبت به افراد و جریان‌ها می‌شد، اهمیت چندانی نمی‌داد و این خیلی مهم بود. یادم هست

همانجا در کنار دیوار بلند که نشسته بودیم، گفت: «شماها باید بنویسید و بنویسید و بنویسید». این مسئله از زاویه دیگری هم خیلی مهم بود، چون یک شخص منبری و کسی که می‌تواند با انبوهی از جمعیت صحبت کند، چطور ممکن بود این قدر به نوشتن اهمیت بدهد؟ می‌دانیم که نوشتن نسبت

عبور از خود از سرگذشت/ محمود دولت‌آبادی/ نشر چشمه/ چاپ اول/ ۱۳۹۷ تعداد صفحات: ۱۱۷ صفحه قیمت ۱۸ هزار تومان

خوردن رنگین‌کمان



مهدی نیکوئی پژوهشگر محیط زیست

زمانی که در هنگام خرید، براساس این رنگ‌ها انتخاب کنید، می‌توانید به سرعت تشخیص دهید که به عنوان مثال، هیچ خرید سفید رنگی نداشته‌اید و به دنبال پیاز یا سیر بگردید. شاید این حساب سرانگشتی، صددرصد کامل نباشد اما قطعاً بررسی کردن ۷ رنگ بسیار راحت‌تر و سریع‌تر از بررسی کردن ۵۰۰ اندی ماده مورد نیاز بدن است. اما مزیت دیگر، یعنی سهولت جایگزینی میوه‌ها و سبزی‌ها با یکدیگر، ممکن است بسیار کارگشا شود. به عنوان مثال، فردی برای افزایش سلامت چشمش به دنبال هویج می‌گردد. ممکن است او به هر دلیل هویج پیدا نکند یا یک میوه را ترجیح بدهد. در بین زردها و نارنجی‌ها می‌گردد و خرما و لو یا پرتقال را انتخاب می‌کند. فرد دیگری ممکن است

به دنبال پیاز و سیر باشد، اما با شیوع کرونا پیاز به ۱۰ هزار تومان در هر کیلو و سیر به ۳۰ هزار تومان رسیده باشد. او به راحتی می‌تواند در همان گروه سفیده‌ها، پیاز چرخا می‌تواند که در بدترین حالت، قیمتی از ۴۰۰۰ یا ۵۰۰۰ تومان بالاتر نرفته است و حتی در غذاها هم می‌تواند جایگزین پیاز و سیر شود. اگر ریحان در زمستان گران شده است، می‌توان از سبزی‌های دیگر استفاده کرد و اگر مدتی قیمت انگور سیاه بالا رفته باشد، چغندر لبو و کلم بنفش را احتمالاً بتوان با نصف قیمت و با خواصی مشابه خرید.

اگر به این رنگین‌کمان، چند دانه روغنی و آجیل (حتی تخمه آفتابگردان، بادام‌زمینی و آجیل سویا) و چند قلم از حبوبات اضافه شود، یک رژیم غذایی کامل و سالم به دست می‌آید. در نهایت، آن دسته از محصولات گیاهی که خاص‌تر هستند و فقط در یک کشور یا استان و شهر یافت می‌شود (مانند عدس ایرانی، دال عدس، ماش، بادرنج و سوسن) سالم‌ترند، عطر و طعم بیشتری دارند و بر خاصیت‌تر نوجوانی هستند. البته که در کنار غذا، اندکی ورزش و حضور روزانه در نور خورشید هم سلامت را تکمیل می‌کند.

روزنامه شهر امید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
۲۵ شهریور ۱۴۰۱
۱۶ صفحه + ۴ صفحه کلک | ۱۷ شوال ۱۴۴۱
۱۶ صفحه شهر آرا محله شماره ۳۱۲۳ | ۱۰۰۰ تومان

میشاق نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی:
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ا
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۰
- تماس: ۳۷۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

با آغاز قرن جدید معجزه هزاره سوم باز می‌گردد؟

بیابید این‌ها را کنار بگذارید، هم هزینه‌هایتان کاهش پیدای کند و هم اینکه دیگران را متغفل می‌کنید. بیاید پیش‌قدم بشوید. او به من گفت فلان کشور اسلحه‌ای ساخته که خیلی خیلی کشنده‌تر و مخرب‌تر از اتمی است و ما تا آن را به دست نیاوریم، نمی‌توانیم این را کنار بگذاریم. من گفتم منظور تان هارپ است: گله بفت.»

● زیبا کلام: احمدی‌نژاد یا جلیلی رئیس‌جمهور می‌شوند

البته که خیلی‌ها حضور احمدی‌نژاد را در انتخابات آینده دور از ذهن می‌بینند اما در این بین هستند کارشناسان سیاسی‌ای که احمدی‌نژاد را یکی از گزینه‌های ریاست جمهوری می‌دانند. صادق زیباکلام، فعال سیاسی اصلاح‌طلب به برنا این‌طور گفته است که «همچون انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه سال گذشته، در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده طرف‌داران تندروها در انتخابات بیشتر شرکت می‌کنند، بنابراین رئیس‌جمهور آینده هم با احمدی‌نژاد خواهد بود یا یک فردی مثل سعید جلیلی».

● تأیید صلاحیت می‌شود؟

اما نکته مهمی که درباره حضور احمدی‌نژاد در انتخابات پیش رو حائز اهمیت است، تأیید صلاحیت اوست. فریدون عباسی، نماینده کنونی کارزون در مجلس و رئیس سازمان انرژی اتمی در دوران احمدی‌نژاد، از احتمال تأیید صلاحیت او خبر داده و به اعتماد گفته است: «ممکن است در آن زمان تحلیل شورای نگهبان این بوده باشد که ایشان نباید حضور پیدا کند ولی لزوماً این تحلیل و اضطراب در شرایط فعلی پابرجامانده باشد. بنابراین اگر آقای احمدی‌نژاد از شورای نگهبان در این زمینه استمراج کند، قطعاً پاسخش را خواهند داد. به هر حال فراموش نکنید که کشور ما، کشور آزادی است و آقای احمدی‌نژاد به عنوان یک رجل سیاسی می‌تواند در انتخابات شرکت کند و رأی کمی هم در جامعه ندارد. شخصاً در یک‌سال گذشته که به شهرها و روستاهای مختلف سفر کرده‌ام به چشم دیدم‌ام که مردم به نیکی از او یاد می‌کنند؛ بنابراین ملاک ما نباید عده‌ای ژورنالیست و قشرهای مرفهی از جامعه باشد که در دولت آقای احمدی‌نژاد ضررهایی دیده‌اند.»

او در آخر به این موضوع هم تأکید کرده است که «ولی ما باید بدانیم اگر فردی همچون آقای احمدی‌نژاد در قامت رئیس‌جمهوری ایران اشتباهی هم کرد، نباید کشور را از قابلیت‌های او محروم کرد و به یک‌باره به پایین

پرتایش کنیم.»

باین حال کاربرانی شبکه‌های اجتماعی نظرات متفاوتی دارند. مثلاً یکی از کاربران تویتر نوشته است: «محاكمه طبری، قاسم‌زاده و قاضی منصوری همون اندازه عجیب و دور از انتظار بود که دعوت از احمدی‌نژاد و تأیید صلاحیت او برای حضور در انتخابات آتی دور از انتظار است.» کاربری دیگر نوشته است «احمدی‌نژاد تنها فرد باقی‌مانده در کل سیستم جمهوری اسلامی است که اگر نامزد ریاست جمهوری بشه بیشتر از ۱۵ میلیون رأی می‌آره.» و اما کاربری دیگر احمدی‌نژاد را گزینه‌ای سوخته برای انتخابات دانسته و نوشته است: «مردم آ آ آ بیکاری نظرسنجی می‌دارن. آ آ آ هنوز به احمدی‌نژاد علاقه دارین؟ ول کنین بابا عه!»

عاشقانی که معشوق ندارند!

ادبیات کودک و نوجوان می‌تواند از کشته شدن «رومینا»ها پیشگیری کند؟

شرایط را از خود بروز بدهد به عنوان هدف مهرورزی خود انتخاب می‌کند و نتیجه این می‌شود که در بسیاری موارد می‌بینیم یک دختر ۱۴ ساله با مریدی ۳۰ ساله و حتی ۵۰ ساله رابطه عاشقانه برقرار می‌کند. دلیل این موضوع این است که این دختر مهرورزی و عشق را به عنوان یک مهارت، و کنترل احساسات خود را انیاموخته است. او یاد نگرفته است چطور زمانی که پر از احساس می‌شود، آن را کنترل کند و یاد نگرفته است که چطور مورد مناسب‌تری را برای ابراز عشق خود انتخاب کند و ماجرا به اینجا می‌رسد که می‌بینیم فجایع مختلفی رخ می‌دهد. مسود «رومینا» آمیزهای است از فقدان آموزش مهارت عشق، آشنایی نداشتن والدین با مهارت‌های فرزندپروری، خشونت خانگی، باورهای غلط اجتماعی و نبود قوانین حمایتی. نویسنده‌های ما کمتر سراغ مسائل واقعی نوجوان می‌روند. نویسنده‌های ما معمولاً به نوجوان‌هایی که در ذهن خود ساخته‌اند می‌پردازند و نوجوانان واقعی را نمی‌بینند. گاهی فکر می‌کنیم ممیزی می‌تواند یک بهانه باشد برای نوشتنشان. ما احتیاج داریم که نوجوانان واقعی ارقام‌ران را ببینیم و مسائل واقعی آن‌ها را بشناسیم و انعکاس دهیم. گاهی اوقات تصویری که از مخاطب خود داریم حداکثر تصویر نوجوانی خودمان است، چیزی که به سال‌های گذشته مربوط می‌شود و با آنچه در امروز اتفاق می‌افتد خیلی فرق می‌کند. فکر می‌کنم از سر درد نوشتن ضروری‌ترین اتفاقی است که باید بیفتد و اگر نویسنده‌ای از سر درد سراغ قلم برد، مسائل متعددی را می‌بیند که می‌تواند به قلم بیاورد؛ در غیر این صورت ممکن است خیلی چیزها از نگاهش دور بماند.

سوزن روز

زهرا اسکندریان

z.eskandarian@shahraranews.ir

احمدی‌نژاد دوباره می‌آید؟ این سؤالی است که حالا دوباره هم رسانه‌ها و هم مردم آن را می‌پرسند. دوباره یعنی وقتی محمود احمدی‌نژاد از سال ۹۵ فعالیت‌های انتخاباتی‌اش را شروع کرد، همه این سؤال را پرسیدند. اما موضوع با رد صلاحیت او برای انتخابات سال ۹۶ کلاً متغی شد. اما این روزها باز نشانه‌های احمدی‌نژاد و فعالیت‌هایش در حدود کمتر از یک سال مانده به انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری بیشتر می‌شود. یکی از این نشانه‌ها، فعال شدن یاران و همراهان احمدی‌نژاد در مجلس یازدهم است. شمس‌الدین حسینی، نماینده مردم تنکابن در مجلس یازدهم و وزیر اقتصاد دولت دهم، گفته است: «جمع ما احمدی‌نژادی‌ها در مجلس جمع است؛ ۵۰ نفریم و فراکسیون تشکیل می‌دهیم.» او در ادامه نگفته که فراکسیون با چه نام و محوری قرار است جمع احمدی‌نژادی‌ها را در مجلس جمع کند اما ادامه داده است که «اغلب مدیران شاخص دولت نهم و دهم که نامزد انتخابات مجلس شدند رأی آوردند. در همین مجلس ۸ عضو کابینه دولت نهم و دهم، ۹ استاندار، تعداد شایان توجهی از معاونان وزرا، فرمانداران و مدیران دوره احمدی‌نژاد رأی آوردند. می‌توانم بگویم که بالغ بر ۵۰ نفر هستند. این افراد با هم فصل مشترک دارند و باهم سال‌ها همکاری کرده‌اند.» اما وزرای احمدی‌نژاد که خیز بلندی برای رسیدن به هیئت‌رئیس مجلس برداشته بودند، سهمی اندک داشتند. آنجا که کرسی نایب‌رئیس دوم به علی نیکزاد رسید؛ چهارمی که اگر چه در طیف احمدی‌نژادی‌های پارلمان یازدهم تعریف می‌شود، نزدیکی او به پایداری‌ها بر کسی پنهان نیست.

● اعلام برائت احمدی‌نژاد از دخالت در انتخابات هیئت‌رئیس‌ه مجلس

البته از خردامه‌ا و قبل از انتخابات هیئت رئیس‌ه مجلس بود که دفتر محمود احمدی‌نژاد، با صدور اطلاعیه‌ای ضمن تبریک عید سعید فطر تأکید کرد که احمدی‌نژاد در ترتیبات داخلی و انتخابات هیئت رئیس‌ه مجلس یازدهم هیچ نوع دخالت، توصیه یا حمایتی از فرد، گروه یا جریان خاصی نداشته است

و ندارد. از مجلس که بگذریم حرف و حدیث‌های دیگر از فعالیت‌های رسانه‌ای احمدی‌نژاد روزه‌روز بیشتر می‌شود. مثلاً شنبه‌شب سایت دولت بهار مصاحبه او را با نادر طالب‌زاده، دبیر جشنواره عمار و مستندساز صداوسیما منتشر کرد. مصاحبه‌ای ۲۴ دقیقه‌ای که رئیس‌جمهور سابق ایران درباره کرونا، هارپ و آزمايشگاه جنگ میکروبی صحبت کرده است؛ مصاحبه‌ای که شاید نسبت به گذشته حواشی‌اش کمتر بوده باشد اما عادت‌های او در گفت‌وگو مثل جواب دادن با سؤال، یا میهم و بدون سند حرف زدن همچنان تکرار شده است. او در بخشی از این گفت‌وگو گفته است: «من یاد می‌آید با یکی از رؤسای جمهوری که صاحب سلاح هسته‌ای است صحبت می‌کردم. گفتم شما بیایید پیش‌قدم بشوید، چون دیگر سلاح هسته‌ای واتمی دارد در دنیایی خاصیت می‌شود، مناسبات جهانی به سمتی می‌رود که این‌ها دیگر به درد نمی‌خورند، شما

اتفاقی که برای «رومینا، دختر چهارده‌ساله تالشی» رخ داده است و کشته شدن او به دست پدرش باعث شکل گرفتن بحث‌های زیادی در حوزه‌های متفاوت حقوقی و جامعه‌شناسی و حتی ادبیات بود. هنرمندان درباره نقش ادبیات و به‌ویژه ادبیات کودک و نوجوان در جلوگیری از روی دادن چنین اتفاقات تلخی صحبت کرده‌اند.

حمیدرضا شاه‌آبادی، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان، به تازگی در گفت‌وویی با ایسنا درباره پرداختن به نوجوانان و مسائل آن‌ها در آثار حوزه ادبیات کودک و نوجوان سخن گفته است که بخش‌هایی از آن را باهم می‌خوانیم. خیلی از رفتارها هستند که باید آن‌ها را به عنوان مهارت آموخت. گاهی اوقات تصور می‌کنیم خیلی از مهارت‌های لازم برای زندگی به شکل طبیعی و اتفاقی خودشان حاصل می‌شوند. همیشه فکری می‌کنیم که رانندگی و آشپزی را باید یاد بگیریم، اما هیچ‌گاه به این فکر نمی‌کنیم که عشق و مهرورزی را هم به عنوان یک مهارت باید آموخت، به همین دلیل و در بیشتر موارد نوجوانان و جوانان در موضوعات مرتبط با عواطف، احساسات، مهرورزی و عشق دچار مشکل می‌شوند؛ مشکلات متعددی که گاهی اوقات زندگی آن‌ها را از هم می‌پاشد. هر کدام از انسان‌ها در دوره‌هایی از زندگی‌شان پیش می‌آید که عاشق هستند، اما معشوق ندارند. شاید بتوان گفت نوجوانی مهم‌ترین دوره‌ای است که چنین شرایطی رخ می‌دهد. یک نوجوان پر از احساسات و عواطف دگر خواهانه می‌شود و دلش می‌خواهد آن را به کس دیگری تقدیم کند، به همین دلیل در اولین فرصت، اولین کسی را که حداقل

مواجه

شهروند سبزر

تعداد افرادی که گوشت و محصولات حیوانی را کنار می‌گذارند، روز به‌روز بیشتر می‌شود. این افراد حتی اگر برای احترام به حقوق حیوانات یا کمک به محیط‌زیست خود و فرزندانشان این سبک زندگی را انتخاب کرده باشند، ممکن است نگران برخی ویتامین‌ها و مواد مورد نیاز بدنشان باشند. یکی از راهکارها برای اطمینان از تأمین تمام مواد مورد نیاز بدن، انتخاب غذا براساس رنگ آن‌هاست.

رنگ غذا حرف‌های زیادی با ما دارد. هر موجودی در این سیاره، مهارت‌ها و توانایی‌های خاصی در حواس خود دارد. شکارچیانی مانند گرگ و شیر، باید چابک، سریع و دارای چنگال و دندان‌های تیز باشند. آن‌ها همچنین باید بتوانند بو و صدا جانداران در حال حرکت را از فاصله‌ای دور تشخیص دهند. برخی از موجودات مانند زنبور می‌توانند نورهای نامرئی برای انسان را ببینند. برخی مانند مگس، تغییرات هوارا به راحتی احساس می‌کنند و به همین دلیل، گرفتنتشان کار ساده‌ای نیست. برخی از حیوانات، توانایی دید در شب دارند، یا مانند خفاش می‌توانند از امواج برای ردیابی غذای خود استفاده کنند. انسان با تمام ضعفی که ممکن است در بویایی و شنوایی داشته